

نقش صلح و همزیستی مسالمت آمیز در باز آفرینی حرکت احیاگرانه اسلامی با تکیه بر نظرات امام خمینی

علی اکبر جعفری (نویسنده مسئول)

دانشیار تاریخ دانشگاه اصفهان

a.jafari2348@yahoo.com

عظیمه پاینده

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی؛ دانشگاه اصفهان

apayنده31@yahoo.com

چکیده

صلح و همزیستی مسالمت آمیز از توصیه های الهی در قرآن و از اهداف مهم انبیا، به ویژه پیامبر اسلام است. بر همین اساس، تحکیم و گسترش وحدت و اخوت در بین همه اقشار جامعه و ارتباط سالم با دیگر ملل، از اهداف اجتماعی اسلام محسوب می شود؛ به طوری که در حکومت اسلامی مدینه، پیامبر علاوه بر عقد اخوت میان مسلمانان مهاجر و انصار، پیمان نامه هایی را با قبایل و اقوام یهودی، مسیحی و غیره امضا نمود تا با عمل به قانون اساسی حکومت اسلامی، صلح و همزیستی حکم فرما باشد. آن چه که از نظر اسلام اهمیت دارد، آرامش، امنیت، رفاه و زندگی انسانی و الهی به دور از تفرقه و اختلاف و ظلم پذیری است که در قالب آموزه های دینی عرضه شده است. این آموزه ها، همواره مورد توجه رهبران و مصلحین بزرگ مسلمان قرار داشته است. امام خمینی به عنوان یکی از همین رهبران که هدفی جز احیای اسلام ناب محمدی نداشت، ضمن تبیین مفهوم واقعی صلح، دولت ها و ملت ها را به صلح و زندگی مسالمت آمیز فرا می خواند. از منظر ایشان، نتیجه اتحاد و همبستگی اقوام و ملت ها با یکدیگر موجب پیروزی، اقتدار، خود کفایی و سازندگی می شود. امام، سیاست جمهوری اسلامی را نه تنها قطع رابطه با دولت ها و قدرت های دیگر نمی دانست، بلکه بر تحکیم روابط حسنه و انسانی نیز تأکید داشت و معتقد بود تا زمانی که دولت های دیگر قصد تجاوز و دخالت و ظلم نداشته باشند، این رابطه برقرار می ماند. صلحی را که با سرپوش گذاشتن بر تجاوز و جنایت همراه باشد، صلح تحمیلی و دروغین می دانست و محکوم می نمود. از منظر ایشان، صلح و همزیستی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۶

مسالمت‌آمیز، تشویق جانیان و جنایتکاران به ادامهٔ ظلم نیست؛ نیز معتقد بود، صلح هنگامی جایگاه اسلامی و انسانی خود را پیدا می‌کند که ملت‌ها و دولت‌ها به حقوق خود قانع باشند. کلید این امر از نظر ایشان، ملاک قرار دادن قرآن برای تحقق صلح واقعی است. مجموعهٔ آموزه‌های مبتنی بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز که در کلام و سیرهٔ امام خمینی تجلی یافت، رهیافتی برای بازآفرینی حرکت احیایگرائهٔ اسلامی شد که پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب ادبیاتی جدید همچون «تمدن نوین اسلامی»، «سبک زندگی اسلامی»، ... بروز یافته است. این رویکرد اصیل که ریشه در میانی اسلام ناب دارد، ایشان را از یک سو به عنوان نظریه‌پرداز احیایگری اسلامی مبتنی بر صلح و همزیستی به جهان بشریت معرفی نمود، و از سوی دیگر، موجد پدیده آمدن مجموعه‌ای از قواعد و اصول لازم برای تحقق جامعه‌ای مبتنی بر این اصول گردید. این پژوهش با هدف بازشناسی رویکرد تمدن‌ساز اسلامی مبتنی بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز که در کلام و سیرهٔ امام خمینی دیده می‌شود، قصد پاسخ‌گویی به این سؤال را دارد: آراء و نظرات امام خمینی در موضوع صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز چیست و چگونه می‌تواند به حرکت احیایگرائهٔ اسلامی منجر شود؟ در پاسخ به سؤال فوق، این فرضیه مطرح شده: توانمندی بالای علمی و فقهاتی امام خمینی در شناخت و استخراج اصول همزیستی مسالمت‌آمیز نهفته در کلام وحی و احادیث، همراه با تجربیات عملی ایشان در تحقق این اصول، الگویی را فرا روی جامعهٔ بشری برای تحقق حرکت احیایگرائهٔ اسلامی قرار داد که می‌تواند به حرکت تمدن‌ساز نوینی منجر شود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، تلاش می‌نماید تا الگویی در این راستا تدوین نماید.

کلید واژه‌ها: احیایگری اسلامی، صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز، امام خمینی، اسلام، تمدن‌سازی.

مقدمه

صلح در لغت به معنای سلم و دوستی، و در برابر جنگ و دشمنی قرار دارد. چنان که توافق گروهی با یکدیگر را صلح می‌گویند. صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از اهداف مهم انبیا و به‌ویژه پیامبر اسلام (ص) بود، و جایگاه والایی در اندیشهٔ اسلامی و سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) دارد. در قرآن کریم در آیات متعدد، بر لزوم صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید شده، چون هدف از آفرینش انسان چیزی جز حرکت انسان به سوی کمال در سایهٔ امنیت و آرامش و رابطهٔ مطلوب با انسان‌های دیگر نیست، و به همین جهت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و وحدت و انسجام، از اهداف مهم اجتماعی اسلام است.

عدم شناخت صحیح اندیشه‌های ناب اسلامی، باعث شده تا قدرتهایی که اسلام را مانعی برای رسیدن به منافع خود می‌دانند، درصدد تحریف و ایجاد شبهه در اندیشه‌های اسلامی،

ایجاد گروه‌ها و فرقه‌های تکفیری و خشونت‌طلب به اسم اسلام برآیند. بی‌تردید اگر شناخت صحیحی از اسلام وجود داشته باشد، چنین گروه‌هایی گسترش نمی‌یابند و از بین می‌روند. امام خمینی با شناخت جامعی که از اندیشه‌های اسلامی و قرآن کریم داشت، اسلام ناب محمدی را دوباره احیا نمود. شناخت اندیشه‌های امام خمینی و قواعد و اصولی که برای تحقق جامعه‌ای مبتنی بر این اصول عرضه نمودند، می‌تواند راه‌گشای مشکلات امروز باشد. از طرف دیگر، پایه‌های انقلاب اسلامی بسته به شناخت اندیشه‌ها و اهداف و راه امام دارد و به فرموده مقام معظم رهبری: «ملت ایران باید راه امام بزرگوار را بشناسد و نگذارد شخصیت ایشان را تحریف کنند. در غیر این صورت: سیلی خواهند خورد» (خامنه‌ای، بیانات در سال‌روز رحلت امام خمینی، حرم مطهر امام خمینی، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

قرائت امام خمینی از صلح همچنین می‌تواند روند اسلام‌ستیزی جهان را تغییر دهد و راهگشای مسلمانان و انسان‌هایی باشد که می‌خواهند جهانی عاری از خشونت توأم با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد کنند (فوزی، یحیی، تبیین فقهی و کلامی جایگاه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در گفتمان امام خمینی <http://www.ghateh.com>: ۱۳۹۵/۱/۱۱).

این پژوهش با هدف بررسی صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و نقش آن در باز آفرینی حرکت احیای گرائه اسلامی با تکیه بر نظرات امام خمینی، تلاش می‌نماید تا ضمن بازشناسی این نظرات، نموداری عینی از الگویی کاربردی مبتنی بر نظرات امام خمینی در همین راستا عرضه نماید.

پیشینه تحقیق

پیرامون صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و سازگاری اصالت این حکم با جهاد اسلامی در قرآن، سیره و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)، تحقیقات جامع، گسترده و خوبی انجام شده، و همچنان ادامه دارد که هر کدام گوشه‌ای از اندیشه‌های ناب اسلامی را در رابطه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، نشان می‌دهد.

در رابطه با اندیشه‌های امام خمینی در رابطه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اسلامی، پژوهش‌هایی از جمله کرامت انسانی و مبانی قرآنی آن از نگاه امام (مودب، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۶۱)، مردم‌سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی (لکزایی، ۱۳۸۳: ۹۱-۱۲۰)، عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل (جوادی ارجمند، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۲۴)، راهبردها و

بایسته‌های سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۳-۲۴)، انجام شده است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نیز آثاری نه مشخصاً با این نام، ولی با عناوینی چون *سیاست خارجی و روابط بین‌الملل*، *وحدت، استضعاف، اسلام ناب*، *استکبار و جنگ و دفاع از دیدگاه امام خمینی منتشر کرده*، اما مشخصاً با این عنوان صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر امام خمینی و جایگاه آن در حرکت احیایگرانه اسلامی، دیده نشده است. این پژوهش بر آن است تا به بررسی همین موضوع بپردازد.

جایگاه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بازآفرینی حرکت احیایگرانه اسلامی

خداوند با آفرینش جهان بر پایه نظم و قانون و حاکم نمودن سنت‌ها و قوانین لازمه طبیعت و با خلق اولین انسان به عنوان پیامبر، هدف از آفرینش را که اجرای احکام و قوانین الهی به منظور تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و نظام عدل زیر سایه حکومت به رهبری پیامبران است، مشخص می‌سازد (احزاب/۶۲؛ فتح/۲۳؛ مطهری، ۱۳۹۲: ۱۴ و ۳۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

انسان با دارا بودن ماهیت فطری و موحد و غریزی و قدرت اختیار که خداوند به او اعطا نموده، باید راه خود را انتخاب کند. در این راستا، او هم می‌تواند با پرورش استعدادهای فطری خود، زمین را آباد کرده و در راستای نظم آفرینش حرکت کند، و هم زمین را به فساد کشاند (مطهری، ۱۳۹۲: ۷۱ و ۸۰-۹۰)، و برای شکوفا ساختن استعدادهایش هم ناگزیر از زندگی اجتماعی است (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۳).

سرشت محدود انسان و قدرت نامحدود خداوند و فطرت خداجوی انسان، باعث می‌شود که وی به‌رغم سرکشی‌های غریزی و نفسانی، فقط با آن چیزهایی آرام شود که مطابق با نظام تکوین و فطرت خداجوی او باشد. خداوند، راهکارهایی را به پیامبرانش وحی نموده تا با تشکیل حکومت عدل، به ابناى بشر تعلیم دهند و جوامع انسانی، و نظامی احسن را همچون نظام تکوین به وجود آورند. از جمله آن راهکارها، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده که مطلوب و خواسته بشر است (شفیعی‌مازندرانی، ۱۳۹۱: ۲۳؛ محمدی‌راد، ۱۳۸۹: ۹۹؛ کریمی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین توحیدی است، ترکیبی از احکام و قوانین مادی و

معنوی، دینی و اجتماعی است و به شخصیت اجتماعی و زندگی تعاونی افراد، کمال توجه را دارد (حجتی کرمانی، ۱۳۵۱: ۲۷ و ۳۱). لازمه اجرای چنین احکامی نیز جز با تشکیل حکومت توسط رهبری الهی و متصل به وحی، میسر نمی‌شود، چون فقط بدین روش و طریق است که احکام الهی تفسیر می‌شود و انسان چگونگی کشف آن را می‌آموزد. قانون اساسی اسلام نیز کتابی جز قرآن، معجزه الهی و سند رسالت نیست (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۲۳). واژه اسلام از ماده سلم به معنای، تسلیم، سلامت و آرامش است و در معنایی کلی، صلح، روح اسلام است (بقره/۲۰۸؛ ممتحنه/۷).

از نظر اسلام، هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست، بلکه خود «صلح»، مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است. در موقعیت صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها و سرانجام یگانگی آیین بشری و گرایش به حق، امکان‌پذیرتر است؛ بنابراین می‌توان گفت، اسلام آیین فطرت است و با روح و روان انسان، بیشترین سازگاری را دارد (کریمی نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۲۱ و ۱۳۴).

از نظر قرآن، جهاد به معنای جنگ و خونریزی نیست، بلکه انجام و اجرای آن شروطی دارد که نظم و آرامش جهان را که هدف آفرینش و خواسته فطری انسان است، برآورده می‌سازد. جهاد، نیازمند مجوز است، و این مجوز فقط توسط رهبری الهی و در صورت حمله دولت‌های متخاصم به سرزمین‌های اسلامی، آزار و اذیت مسلمانان و توطئه و فتنه بر ضد دین آنان، به استضعاف کشیدن و قتل و فساد و پیمان‌شکنی در زمین صادر می‌شود (ورعی، ۱۳۸۹: ۶۳؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۴۵۷-۴۵۹). با اجرای چنین شروطی، جهاد نه وسیله‌ای برای جنگ و خونریزی، بلکه عاملی برای جلوگیری از خونریزی ناحق و ایجاد امنیت و آرامش و حاکمیت دین خدا، و فرصتی برای تفکر کافران و اصلاح و تربیت مسلمانان است، و حکمش نیز با حکم صلح سازگاری پیدا می‌کند (انفال/۳۸-۳۹؛ بقره/۱۹۳، ۱۵۵، ۲۱۶). در سایه اجرای چنین احکامی، حاکمیت دین خدا نه به معنای تحمیل ایمان و عقیده توحیدی به کفار و مشرکان، بلکه آزادی عقیده انسان‌ها و دعوت به اسلام آن هم فقط با حکمت و موعظه و جدال احسن است (بقره/۲۵۶؛ یونس/۹۹؛ کهف/۲۹؛ انعام/۱۰۷؛ نحل/۱۲۳؛ ورعی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۷).

یکی از اهداف مهم اجتماعی اسلام، تحکیم اخوت و گسترش وحدت است که در قرآن کریم، توصیه‌هایی اکید در مورد آن شده و سفارش به اتحاد و چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری

از تفرقه و اختلاف و توصیه به برادری و برقراری صلح گردیده است (آل عمران/۱۰۳؛ انفال/۴۶؛ حجرات/۱۰).

قرآن با مخاطب قرار دادن تمام بشر «یا بنی آدم، یا ایها الناس»، همگان را به برخورد با نیکوترین شیوه و دفع بدی با نیکی که بهترین تسلیم پذیری در برابر فرمان خداست، دعوت می کند و سفارش می نماید که از نژادپرستی پرهیز کنند، و نه تنها مسلمانان با یکدیگر در صلح باشند و عقد اخوت ببندند، بلکه با برقراری روابط سالم با دیگر ملل از جمله اهل کتاب، زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح داشته باشند، و به آن ها سفارش می کند که از تفرقه، اختلاف و جنگ مذهبی پرهیز کنند، و به جای آن، اصول مشترک میان هم را که توحید و یکتاپرستی است، پیدا کنند (اعراف/۲۶، ۲۷، ۳۵؛ حجرات/۱۳؛ عنکبوت/۴۶؛ فصلت/۳۳-۳۵؛ بقره/۱۱۳، ۱۱۴؛ آل عمران/۶۴).

از منظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت آمیز آن چنان اهمیت دارد که مسلمانان با توجه به اصول کرامت انسانی (اسراء/۷۰)، وفای به عهد (بقره/۱۷۷. مائده/۱)، دعوت (نحل/۱۲۵)، عدالت (حدید/۲۵)، مدارا (ممتحنه/۸-۹) و وظیفه دارند حقوق جهانگردان شامل حق امنیت (توبه/۶)، عبور و مرور، برخورداری از عدالت اجتماعی، احترام، رعایت منزلت اجتماعی افراد، تأمین حداقل حقوق انسانی، حق خروج و حق در راه ماندگان (توبه/۶۰) را به رسمیت شناسند.

قرآن با به رسمیت شناختن انبیا و کتاب های آسمانی گذشته، الگوی پیروان ادیان و مذاهب مختلف است تا با صلح و همزیستی و تعاون در کنار یکدیگر زندگی کنند (مائده/۴۶، ۴۸ و ۲). قرآن که پیغام رسان و منادی عدالت و صلح و حقیقت است، همزمان با دعوت به صلح و همزیستی مسالمت آمیز، با توهمات برتری جویانه ادیان دیگر نیز مبارزه می نماید (مائده/۱۸، ۴۸؛ بقره/۱۱۱-۱۱۲).

خداوند، مسلمانان را حتی به همزیستی مسالمت آمیز با کفار و صلح دعوت می کند و وفاداری به میثاق با کافران پایبند به عهد و طالب صلح و غیر معاند و بی طرف را وظیفه مومنان می داند، و با نزول آیاتی می فرماید که اگر کافران از گناهای همچون جنگ با پیامبر روی گردان شدند، خداوند نیز آن ها را می بخشد (توبه/۳-۴؛ انفال/۶۱؛ نساء/۹۰).

آن چه برای نظام توحیدی اهمیت دارد، زندگی شرافتمندانه برای رسیدن به کمال، توأم با

عزت و شرافت انسانی است؛ بنابراین در آیاتی متعدد، به ولایت و سرپرستی خود اشاره کرده و رابطه ولایی با کفار را ممنوع کرده است. خداوند همچنین رابطه با کفار معاند و دارای قدرت سیاسی را ممنوع، و صلحی را برای مسلمانان مطلوب دانسته که مصلحت و عزت مسلمانان را تأمین نماید. لازم به ذکر است با توجه به آیات اشاره شده، نفی رابطه ولایی با کافران به معنای جنگ طلبی نیست، مگر در مواردی که خداوند دستور داده است (بقره/۲۵۵؛ نساء/۱۳۹؛ توبه، ۱۲۳، ۳۹؛ محمد/۳۵).

پیامبر اسلام با ساخت مسجدی در مدینه به عنوان مرکزی عبادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و محل تجمع و تبادل نظر، با بستن عقد اخوت با مسلمانان، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مورد نظر اسلام را محقق ساخت و بر اساس قرآن، قوانینی را در سطح جامعه تدوین کرد و با مسلمانان، یهودیان و مشرکان یثرب، پیمان عمومی بست (جعفریان، ۱۳۸۵: ۴۳۰ - ۴۵۰؛ منتظرالقائم، ۱۳۸۱: ۱۲۷). در همین راستا، برای دفاع و تأمین امنیت دولت اسلامی مدینه، مبارزه با فتنه، حفاظت از مسلمانان در مقابل مستکبران و رفع هرگونه ظلم و ستم و پیمان شکنی، غزواتی را سازماندهی کرد و گاه لشکریانی اعزام نمود. صلح حدیبیه هم با اذن الهی و برای همزیستی مسالمت‌آمیز با مشرکان در سال ششم بعثت بسته شد که پیامبر آن را تعظیم حدود الهی دانست (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۷؛ بقره/۱۹۰ و ۱۹۳ و ۲۴۶؛ حج/۳۹ و ۴۰؛ نساء/۷۵؛ توبه/۶ و ۱۲ و ۱۳؛ حدید/۲۵؛ حجرات/۹؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۴۵۷ - ۴۵۹). پس از صلح مزبور نیز دعوت سران کشورهای مختلف را به اسلام از طریق نگارش نامه‌هایی آغاز کرد و با این اقدام، موجودیت دولت‌ها، امت‌ها و قبایل را به رسمیت شناخت (جعفریان، ۱۳۸۵: ۵۹۹. کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۶). فتح مکه بعد از پیمان شکنی مشرکان از مفاد صلح حدیبیه صورت گرفت، و مشرکانی که همان روز شهادتین را گفتند و مسلمان شدند، از حمله و هجوم در امان ماندند، و فقط تعداد انگشت‌شماری که به مقابله برخاسته بودند، در روز فتح مکه کشته شدند (جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۲۹ - ۶۵۵، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۶). در سیره پیامبر گرامی اسلام (ص)، می‌توان موارد بسیاری از اهتمام به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را مشاهده کرد. ایشان همیشه نسبت به انعقاد پیمان‌های همکاری و صلح استقبال می‌نمود. آن حضرت همواره شرکت خود را در پیمان حلف‌الفضول که در دوره جاهلیت در خانه عبدالله بن جدعان در حمایت از مظلومان منعقد شده بود، برای مسلمانان به عنوان الگو ذکر می‌کرد و به خوبی از آن یاد می‌نمود (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۹).

پیامبر به ماموران اعزامی‌اش دستور به پیاده کردن احکام اسلام نسبت به همهٔ اقشار مردم از جمله یهود، نصارا و مسلمان می‌نمود، و آن‌ها را به خوش رفتاری و همزیستی مسالمت‌آمیز توصیه می‌کرد. برای نمونه می‌توان به دستورالعمل حکومتی پیامبر به عمرو بن حزم، مأمور اعزامی‌اش به یمن اشاره کرد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۳).

پیامبر(ص) با پیروان ادیان مختلف با صبر و مدارا برخورد می‌کرد، و به آداب و رسوم دینی آن‌ها احترام می‌گذاشت و به مسلمانان سفارش می‌فرمود به نیازمندان پیروان ادیان الهی صدقه بدهند. ایشان خود را دشمن کسانی می‌دانست که اهل ذمه را آزار رسانند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۳؛ کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۰۰؛ مائده/۸۲-۸۳).

سیرهٔ پیامبر در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و خوش خلقی ایشان با مردم به گونه‌ای بود که خداوند شخص ایشان را مورد تمجید قرار داده و خوش خلقی‌اش را عامل وحدت مردم و اسلام آوردن آن‌ها می‌داند، و می‌فرماید اگر خوش خلقی پیامبر نبود، مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند (آل عمران/۱۵۹؛ انبیا/۱۰۷؛ شعراء/۳؛ احزاب/۲۱).

ائمهٔ اطهار(ع) نیز نشان داده‌اند که حکومت حق و عدل، حتی اگر شکل و صورت رسمی نیز نداشته باشد، دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند زمینه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کند. توجه به اختلاف‌ها و مراتب ایمان، نهادینه‌سازی اخلاق مشترک و عمومی، تقویت بنیان‌های امت واحدهٔ اسلامی، تأکید بر حضور همگانی در عبادات، مراسم و مناسک اجتماعی، مسلمانان و راهکارهایی از جمله قائدهٔ مدارا با عموم مردم در دو جهت دینی و اجتماعی، توهین نکردن به پیروان ادیان دیگر و مذاهب و مشارکت در امور اجتماعی و گروه‌ها و اقوام مختلف، اموری هستند که ائمه به عنوان زمینه‌های شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز بیان کرده‌اند (رستمیان، ۱۳۸۰: ۱۰۵؛ نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت: ۲۶۸ و ۶۹۵؛ شفیعی‌مازندرانی، ۱۳۹۱: ۷۴؛ آقائوری، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

سیرهٔ امام علی(ع) در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، باعث شناخت اسلام واقعی و گرایش افرادی بسیار به خصوص موالی و ایرانیان به تشیع در دورهٔ بیست و پنج سالهٔ بعد از رحلت پیامبر(ص) شد؛ آن هنگام که اسلام دچار انحرافات زیادی گردیده بود، و همزیستی مسالمت‌آمیز و عدالت رو به فراموشی بود (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت: ۴۷۶ و ۷۴۲؛ ثقفی، ۱۳۷۱: ۱۸۶-۱۸۷؛ منقری، ۱۳۸۲: ۱۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۲: ۱۷۵/۵-۱۷۶).

دقت امام در انتخاب والیان و کارگزاران شایسته یکی از اصلاحات ایشان در زمان حکومت بود، که به عنوان نمونه می‌توان به انتخاب مالک برای فرمانداری مصر و نامه مفصلی که به ایشان نوشت، اشاره نمود.

در بخش‌هایی از این نامه، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و رفتار توأم با مهربانی و دوستی و گذشت و انصاف و دوری از غرور و تکبر با مردم را به مالک سفارش می‌کند؛ همچنین او را از اصول صحیح مشورت، روابط اجتماعی با مردم و شناخت اقشار گوناگون اجتماعی آگاه نموده و اخلاق اختصاصی رهبری و نحوه برخورد با خویشاوندان و دشمنان را آموزش، و هشدارهایی به وی می‌دهد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۵۳: ۵۶۵-۵۹۱).

در یکی از خطبه‌ها، از ضرورت‌های حکومت به امن کردن جاده‌ها و پس گرفتن «حق ضعیفان از نیرومندان» و در رفاه قرار دادن نیکوکاران و در امان نگه داشتن آن‌ها از دست بدکاران اشاره می‌کند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۴۰ و ۹۳).

با وجود این که امام علی (ع) مبارزه با فساد سیاسی را در دوران حکومت‌اش مقدم بر فتوحات و تسخیر اراضی می‌دانست، و با بهره‌گیری از شیوه‌های اسلامی و اخلاقی، کج‌روی‌ها را اصلاح می‌کرد، و حفظ اسلام را محور همه تلاش‌های خود قرار می‌داد، و هر سه جنگ دوران حکومت‌اش در واقع دفاع از حریم اسلام و مبارزه با فتنه‌انگیزی و کج‌روی بود، اما همواره، نصیحت و پشیمان کردن طرف مقابل را بر جنگ و فتنه‌انگیزی ترجیح می‌داد. در نبرد با شامیان فرمود: «مهیا شدن من برای جنگ، در حالی است که جریر فرماندار همدان را به رسالت به طرف آنان فرستاده‌ام، انعقاد صلح و بازداشتن شامیان، از راه خیر است اگر آن را انتخاب کنند. من مدت اقامت جریر را در شام معین کردم، که اگر تأخیر کند، یا فریبش دادند، یا از اطاعت من سر باز زده است. عقیده من این است که صبر نموده با آن‌ها مدارا کنید، گرچه مانع آن نیستم که خود را برای پیکار آماده سازید. من بارها جنگ با معاویه را بررسی کرده‌ام و پشت و روی آن را سنجیده، دیدم راهی جز پیکار، یا کافر شدن نسبت به آن چه پیامبر آورده، باقی نمانده است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۴۳ و ۹۷). در مورد برخورد با دشمن، امام علی (ع) همیشه سفارش می‌نمود که «اگر بر دشمن دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: حکمت: ۱۱ و ۶۲۵).

اخلاق خوب اسلامی امام علی (ع) و رفتار ایشان با پیروان ادیان دیگر، باعث گرایش آن‌ها به

اسلام و تشیع نیز می‌شد. موارد فراوانی از این ارادت‌ها به امام وجود دارد که برای نمونه می‌توان به توجه ایشان به حق همسفری اشاره نمود: علی(ع) با فردی یهودی هم سفر بود. هنگام جدایی، حضرت مقداری آن فرد را مشایعت فرمود. وی تصور کرد که ایشان راه را به اشتباه می‌آید. با اعتراض وی، حضرت به او فرمود، بر اساس فرموده پیامبر اسلام، تو حقی بر من داری که خواستم با مشایعت و همراهی، بخش از آن را ادا کرده باشم. شخص یهودی از برخورد خوب حضرت خوشحال شد و به ایشان علاقه‌مند گردید، و بعدها که متوجه شد همسفرش، داماد پیامبر و حاکم مسلمانان بوده، به اسلام گرایش پیدا کرد و اسلام آورد(شریعتی، ۱۳۸۴: ۲۷).

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه امامان شیعه آن‌چنان اهمیت داشت که یکی از دلایل سکوت و کناره‌گیری امام علی(ع) از خلافت و همچنین صلح امام حسن(ع)، جلوگیری از جدال و خونریزی و تفرقه بود(نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه: ۳۷ و ۹۱؛ جعفریان، ۱۳۷۲: ۹۱).

امام سجاد(ع) حق کسانی را که در پناه مسلمانان هستند، این می‌دانست که آن‌چه خدای عزوجل از آنان می‌پذیرد، بپذیری، و مادام که به عهد خدای عزوجل وفاداراند، بر ایشان ستم نکنی(کریمی نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۷). امام صادق(ع) از وسایل تبلیغی عصر خودش مانند مناظره، مخاطبه، مکاتبه، شعر و تبلیغ عملی برای هدایت و ارشاد مردم از جمله ملحدین، مشرکین و دهریون و نیز اهل کتاب استفاده می‌نمود(کریمی نیا، ۱۳۸۲: ۲۴۰). امام رضا(ع) مناسبات با غیر مسلمانان را مبتنی بر اخلاق انسانی، احترام و مهرورزی، مدارا و تسامح دینی، آزادی فکر و بیان، مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس دیگر ادیان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌دانست(گنجور و بیدهندی، ۱۳۹۰: ۲۱۵). سیره امامان شیعه، سرشار از رفتار و سخنان ایشان در مورد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است که تنها به نمونه‌هایی اشاره شد.

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در کلام امام خمینی

امام خمینی با مطالعات گسترده و عمیق توأم با تدبیر عرفانی، کلامی، سیاسی، فقهی، حدیثی، ادبی، نجومی، و هیئت جدید و قدیم و نگارش کتاب‌هایی همچون شرح دعای سحر، شرح چهل حدیث، آداب الصلوة، طلب و اراده، مکاسب، تحریر الوسیله، البیع، کشف الاسرار، ولایت فقیه و کتب دیگر، چشم انداز روشنی از مبانی حکومت مورد نظر خویش را که باید پرچم دار تمدن نوین اسلامی باشد، ترسیم نمود(فوزی، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۸ و ۲۸-۳۸).

هدف ایشان، احیای تمدن اسلام ناب بود که توسط حضرت محمد(ص) در مدینه پایه‌گذاری شد، و توسط امامان شیعه، فرهنگ آن تداوم یافته و حفظ شده بود. ایشان با شناخت جامعی که از شرایط و ضروریات جامعه پیدا کرده بودند، دریافتند که انسان آن قدرت را دارد که به‌طور خودآگاه، تاریخ را بسازد، اما این کار با اجتهاد حل نمی‌شود، بلکه با ولایت امکان‌پذیر خواهد بود(جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۶۹-۳۷۰).

الهی بودن و اسلامی بودن اقدامات و باورها و تفکرات امام خمینی را می‌توان در سخنان اندیشمندان و نخبگان سیاسی داخلی و خارجی، اقشار مردم ایران و حتی مخالفان انقلاب اسلامی جستجو کرد. برای نمونه، هنری کیسینجر دیپلمات آمریکایی و از مخالفان انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: آیت‌الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد، تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاستمداران و نظریه پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت، و عمل می‌کرد. گویی از جایی دیگر الهام می‌گرفت. دشمنی آیت‌الله خمینی با غرب، برگرفته از تعالیم الهی او بود. او در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت (<http://www.najaneews.com>).

ایشان با شناخت جامعی که از احکام و اندیشه‌های اسلام داشتند، به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز توجه بسیاری می‌نمودند که در سطور زیر به تحلیل و بررسی آن پرداخته می‌شود:

الف. در داخل کشور و در بین اقوام مختلف:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی، نهضت و پیروزی را از خدا دانستند و بر لزوم حفظ نهضت با رفتار و اخلاق اسلامی تأکید نمودند(صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۳/۱۴۲). با توجه به اهمیت اخلاق خوب و رابطه مسالمت‌آمیز در تداوم انقلاب، حفظ وحدت مردم و گروه‌ها و مسئولین، مهم‌ترین بخش از بیانات امام را تشکیل می‌داد. در همین زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرماید: خلاصه وصیت‌نامه امام خمینی در جریان عارضه قلبی سال ۶۵ ایشان این بود که حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آن چه که تصور می‌کنیم، تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود(خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۲. khamenei.ir).

از جمله نگرانی‌های امام، تفرقه بین اقوام و گروه‌های مختلف کرد، لر، بلوچ، فارس و غیره در داخل ایران بود. ایشان مکرراً در بیانات‌شان به مطرح نبودن مسئله نژاد در اسلام تأکید می‌نمود. در قضیه کردستان، مکرراً تأکید می‌کرد، ما می‌خواهیم کردها محفوظ بمانند؛ می‌فرمود، ما می‌خواهیم با مسالمت، با ملایمت و با برادری کارها درست بشود. ایشان به تفرقه افکنی‌های گروه‌های فاسد در داخل ایران اشاره می‌کرد و می‌فرمود شما خودتان این‌ها را تصفیه کنید و نگذارید کسی دیگر بیاید تصفیه بکند (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۰/۲۹۱ و ۲۹۷-۲۹۸).

فتاوی‌ای امام خمینی در پاسداری از سنگر وحدت بین شیعه و سنی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در این فتاوا بر لزوم حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت، تأکید می‌نماید؛ نیز به شیعیان توصیه می‌کند که از تفرقه بین صفوف مسلمانان دوری کنند و به همراه سنی‌ها نماز جماعت بخوانند. حتی شبیه به آنان دست بسته نماز بخوانند و پیشانی بر فرش بگذارند. ایشان سجده کردن شیعیان را بر مهر در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا(ص)، با اشکال دانسته و تقیه را جائز می‌دانستند. (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۳/۵۴؛ صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۳/۶۱۱).

ایشان به رفتار مسالمت‌آمیز حکومت جمهوری اسلامی ایران با اقلیت‌های مذهبی اشاره کرده و می‌فرمود، ما همه تحت لوای توحید هستیم و پیامبران آمدند تا پرچم توحید و عدالت را در بین ملت‌ها بر پا کنند. این دین‌ها برای تربیت و صلح و صفا بین تمام افراد بشر آمده، و پیامبران برای تهذیب اخلاق مردم به گفتار، کردار، عمل، و فعالیت مأمور بودند. توصیه ایشان به پیروان همه مکاتب توحیدی این بود که همه با هم در مقابل ستمگران متحد شوند. امام به دولت اسلامی تأکید می‌نمود که به وظایف اسلامی خود برای همه قشرها، از جمله پیروان ادیان دیگر با احترام نسبت به آن‌ها عمل کند (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۱/۴۰۶ و ۱۷/۹۸ - ۱۰۰).

امام خمینی انقلاب اسلامی و آزادی و استقلال ایران را حاصل اتحاد و هماهنگی و خدمت گروه‌های مختلف در پرتو ایمان به خدا می‌دانست و بر لزوم همکاری و همبستگی مسالمت‌آمیز و تفاهم بین ملت، دولت، علما و روحانیان، نظامیان و اقشار مختلف با یکدیگر تأکید داشت و منشأ شکست را اختلاف می‌دانست و تأکید می‌نمود که با رفتار بسیار خوب به ملت خدمت شود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۹۰/۶ و ۱۲/۶۸ و ۲۲۲ و ۴۰۳-۴۰۴ و ۴۸۸ و ۱۵/۳۹۷ و ۱۸۵/۱۶ و ۲۸۴-۲۸۵ و ۳۱۳ و ۳۷/۱۸). در جریان توطئه‌های گروهک‌ها و دشمنان بر

ضد انقلاب اسلامی، امام اتحاد را لازمه قطع دست خیانتکاران می دانست (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۸۲/۷).

در دوران پهلوی به دلیل سیاست های غربی، حوزویان و دانشگاهیان نسبت به هم بدبین و بی اعتماد بودند (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶/۲۱). امام خمینی در بیانات متعدد، قبل و بعد از انقلاب بر لزوم اتحاد بین حوزه و دانشگاه تأکید می نمود و آن را عامل هراس دشمن و پیشرفت ملت ایران دانست (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۲/۳۸۳ - ۳۹۱).

ب. با ملل دیگر:

امام خمینی همیشه بر لزوم صدور انقلاب با اخلاق پسندیده تأکید داشت و از رابطه مسالمت آمیز و حسنه با قدرت ها و دولت های دیگر به شرط عدم دخالت آن ها در امور کشور، استقبال می نمود و می فرمود: ما بشردوست هستیم و پیغمبر ما بشردوست بود و برای بشر زحمات ها کشید... با تمام مستضعفان عالم، روابط حسنه داریم، به شرط این که روابط متقابل و احترام متقابل باشد (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶/۲۲۰ و ۱۶/۸۱).

ایشان صلح جهانی را وابسته به نابودی مستکبرین جهان می دانست و همیشه مستضعفان و مظلومان جهان را دعوت به اتحاد می نمود تا با سرنگونی حکومت های جابر و رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا، صلح جهانی برقرار شود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۲/۱۴۴ و ۱۳/۱۰۵ و ۱۶/۴۸۲ - ۴۸۳؛ قصص/۵).

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، امام خمینی مجوز دفاع از ایران اسلامی را صادر نمود و آن جنگ را نه صرفاً یک تجاوز به ایران، بلکه تجاوز به حریم اسلام دانست که در آن، همه مسلمین دنیا مطرح هستند. به رغم کارشکنی های صدام و حامیانش، امام به مدت هشت سال صلح با عراق را نپذیرفت؛ زیرا صلح طلبی های دروغین صدام، به فرموده ایشان، صلح تحمیلی بود و شرایط صلح الهی - انسانی را نداشت.

ایشان در جواب تهاجم ها و صلح طلبی های دروغین صدام، جنگ تحمیلی عراق را از جمله جنگ های تحمیلی معاند بر علیه مسلمانان دانست و براساس آیات قرآن، این جنگ را جنگ بین مسلم و غیرمسلم نامید، و تسلیم شدن در مقابل جنایات صدام را تشویق او در ظلم کردن قلمداد می کرد، و همواره تأکید می نمود که با بیرون رفتن صدام، قضیه تمام نمی شود و شخص

جانی را باید در دنیا رسوا کنیم. ایشان ضمن تأکید بر این موضوع، همواره خود را آماده استقبال از صلح شرافتمندانه اسلامی می‌کرد که در آن برادری و اتحاد وجود دارد، و ایران را کشوری صلح طلب معرفی می‌نمود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۶۳/۱۴ - ۱۶۴، ۱۶/۳۱۷ - ۳۱۹ - ۳۲۲؛ ۲۳/۱۷ - ۲۸؛ ۳۶۹/۱۸؛ حجات/۹).

با وجود جنایات صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، توصیه به رفتار انسانی و توأم با حسن سلوک و رأفت اسلامی با اسرای عراقی، در بیانات امام خمینی به خوبی مشخص است: ما آن‌ها را به واسطه انسانیت و به واسطه اسلامی که داریم، پذیرفتیم، و با آن‌ها با آغوش باز به‌طوری که با کشور خودمان و افراد کشور خودمان عمل می‌کنیم...؛ ما مثل برادرهای خودمان با آن‌ها عمل کردیم (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۴/۸۳ - ۸۴). امام خمینی همیشه به برخورد صحیح انسانی - اسلامی با زندانیان و اسیران تأکید داشتند (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۷/۲۸۵).

امام خمینی بعد از هشت سال دفاع مقدس، زمانی که شرایط صلح اسلامی فراهم شد، قرارداد ۵۹۸ را پذیرفت و اعلام کرد که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت، جدی هستیم و هرگز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲۱/۱۳۴). ایشان به عنوان رهبری الهی، تشخیص دادند که چه موقع زمان نوشیدن شهد (خبر فتح خرمشهر) است، و چه موقع زمان نوشیدن شرنگ (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۶۷). امام خمینی در پاسخ به سفیر شوروی که برای تبریک انقلاب به نزد ایشان رفته بود، فرمود: ما با دولت همجوار خودمان {...} مایلیم که به‌طور مسالمت‌آمیز و به‌طور انسانی رفتار کنیم، و البته دولت ما هرطور که مصلحت بداند، در روابط اقتصادی، روابط تجاری و سایر اموری که مربوط به دولت است، عمل خواهد کرد {...} { این دولت اسلامی {...} هرگز ظلم به غیر ولو هرچه ضعیف باشد، روا نمی‌دارد و ظلم از غیر، هرچه قوی باشد، تحمل نمی‌کند... (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶/۲۲۰).

ایشان به عنوان رهبر یک کشور اسلامی به وظیفه اسلامی خود عمل می‌کرد و دعوت کشورهای دیگر به اسلام را نیز جزو وظایف خود می‌دانست، و به همین دلیل، نامه‌ای به میخائیل گورباچف رهبر کشور کمونیستی شوروی نوشت، و او را به اسلام دعوت کرد و شکست کمونیسم را پیش بینی نمود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲۱/۲۲۰ - ۲۲۶). محتوای این نامه

و رفتار هیئتی که نامه را به شوروی بردند، و سلوک اسلامی و حسن ادبی که داشتند، نشان از جهانی بودن احکام مسالمت‌آمیز اسلام داشت (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۸۱-۳۱۴).

ج. ملل مسلمان:

امام خمینی به ملت‌ها و کشورهای اسلامی توصیه نمود که از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزند، و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند، که اسلام بزرگ، آنان را برادر خوانده، و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ‌ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶).

امام خمینی به عنوان یک رهبر اسلامی، طالب زندگی مسالمت‌آمیز با اخوت ایمانی بین مردم ایران و مسلمانان جهان بود (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۴/۲۲۶). ایشان همیشه نگران مسلمانان و مستضعفان جهان بود و با رهبری انقلاب اسلامی و سخنان و پیغام‌ها و وصیت‌نامه خود، راه زندگی مسالمت‌آمیز توأم با صلح اسلامی را نه تنها به مردم ایران، بلکه به ملل مسلمان جهان و دیگر ملل نشان داد. ایشان همیشه به علمای کشورهای اسلامی توصیه می‌نمود که دولت‌هایشان را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها سازند، و با ملت خود تفاهم کنند تا پیروز شوند (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶). در جریان صلح مصر و اسرائیل (کمپ دیوید)، در ۱۳۵۸/۱/۵ امام در پیامی به مسلمانان جهان "صلح سادات و اسرائیل را خیانت به اسلام و مسلمین و برادران عرب" دانست و موضع‌های سیاسی کشورهای مخالف این پیمان را تأیید کرد (صحیفه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶/۴۱۰).

تحلیل تطبیقی نظرات امام خمینی با جایگاه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در باز آفرینی حرکت احیای گرانده اسلامی

امام خمینی با شناخت جامعی که از اسلام و قرآن داشت، در صدد احیای اسلام ناب محمدی برآمد، که هدفی جز ایجاد سلم و دوستی و زندگی مسالمت‌آمیز توأم با عزت و افتخار و عدالت ندارد. بی‌تردید امام خمینی هدفی جز احیای چنین احکامی نداشت. صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام را می‌توان در سیره پیامبران و امامان شیعه که الگوی امام خمینی برای احیای اسلام

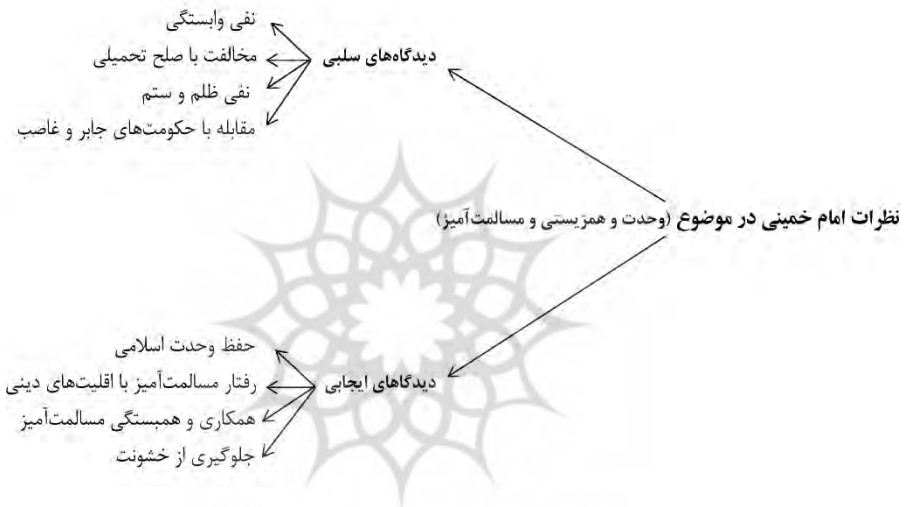
ناب بودند، جستجو کرد. توحید محوری، ایجاد حکومت عدل، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان، ایجاد وحدت مسلمانان جهان، ظلم ستیزی، کفرستیزی، مقابله با حقارت و سازش، اخلاق و رفتار کریمانه و اسلامی با مردم، جهاد، کرامت، چگونگی برخورد با دشمن، اخوت، مبارزه با تبعیض نژادی، ادب، احترام متقابل، تفاهم، پرهیز از تفرقه، چگونگی نگاه و برخورد نسبت به پیروان ادیان مختلف، همگی در سیره و روش و کلام امام خمینی در رابطه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز یافت می‌شود، که حاصل شناخت جامع از قرآن و پیروی از سیره و روش معصومین(ع) است، که فرهنگ اسلامی را زنده نگاه داشتند. بی‌تردید، هدف هر انسانی، زندگی در جامعه‌ای عاری از خشونت و توأم با صلح است.

تحلیل تطبیقی نظرات امام در موضوع صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و بازآفرینی حرکت احیاگرانه اسلامی نشان می‌دهد ایشان، هم نگاه سلبی و هم نظر ایجابی در این موضوع داشته‌اند. به عبارت دیگر، حفظ وحدت و همزیستی با هدف تمدن‌سازی، همچون قلم دوسویه‌ای است که باید هر دو سویش مورد توجه قرار گیرد. نمودار ضمیمه تا حد زیادی می‌تواند نظرات وحدت‌گرایانه امام خمینی را در موضوع احیای تمدن اسلامی نشان دهد.

نتیجه‌گیری

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از شاخص‌ترین آموزه‌هایی است که از تشکیل دولت نبوی تا روزگار طلایی تمدن اسلامی به عنوان رکن اساسی پایه‌گذاری و اعتلای این تمدن مطرح بوده، و به همین دلیل، این آموزه در اندیشه و عمل رهبران و بزرگ مردان اسلامی نیز دیده می‌شود. امام خمینی با رهبری انقلاب اسلامی و در گامی فراتر با هدف احیای اسلام ناب محمدی و گنجاندن حرکت احیاگرانه اسلامی در آرمان‌های این انقلاب، تلاش نمود تا چهره واقعی اسلام و ظرفیت‌های آن را برای دوران معاصر نشان دهد. این تلاش امام موجب شد تا ضمن بازتعریف اصول و عقاید و احکام اسلامی، راهی نو به سوی جهانی شدن اسلام ناب گشوده شود. صلح و همزیستی در اندیشه و کلام امام، نه سازش و ظلم‌پذیری، بلکه اخلاق و رفتار توأم با عزت و احترام و اتحاد و یکپارچگی توأم با کرامت انسانی، بر محور توحید تعریف شد. بازشناسی این اندیشه و عملکرد و کاربست آن می‌تواند بسیاری از واگرای‌ها و تفرقه و خشونت‌طلبی‌های موجود در جهان اسلام را به صلح و همزیستی و دوستی تبدیل نماید. تحقق این آرمان،

زمینه‌ساز احیای تمدن نوین اسلامی نیز خواهد بود؛ همچنین بازشناسی و تحلیل و به‌کارگیری نظرات امام، موضوع وحدت و حفظ صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را نیز نشان می‌دهد. در این موضوع، هم نگاه سلبی و هم ایجابی باید داشت. حفظ وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان با یکدیگر به رغم تفاوت‌های مذهبی، قومی، هویتی و ملیتی، مؤثرترین راه برون رفت از تفرقه‌ها، خودزنی‌ها و خشونت‌طلبی‌های موجود در میان امت اسلام است. این تأکیدات را که بیانگر نقش نظرات وحدت‌گرایانه امام خمینی در باز آفرینی حرکت احیای گرانده اسلامی است، در مدل زیر می‌توان نمایش داد.



نکته مهم دیگر که در اندیشه و عملکرد امام خمینی قابل توجه است، فرا زمان و مکانی بودن نظرات ایشان در موضوع وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز است. ایشان در رویکرد به همه ملل مسلمان و دیگر اقوام و قومیت‌ها و اقلیت‌ها و مبتنی بر زمان‌های متفاوت، متذکر این اصل اساسی بودند که وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز در آموزه‌های اسلامی، مقطعی و تابع مکان و زمان نیست و اصلی برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست؛ زیرا ظرفیت بالای نهفته در این اصل، آن را پایدار نموده است.

منابع و ماخذ

الف. کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. (ج ۵). (محمود مهدوی دامغانی، مترجم). تهران: نی.
- امام خمینی. (۱۳۹۰). وصیت نامه الهی سیاسی. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. مجموعه نرم افزاری.
- ثقفی، ابواسحاق (۱۳۷۱). الغارات. (عبدالمحمد آیتی، مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اسلام. (ج ۱). (چ ۴). قم: دلیل ما.
- جعفریان، رسول. حیات فکری سیاسی امامان شیعه. (ج ۱). (چ ۲). قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). بنیان مرصوص. (چ ۲). قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ولایت فقیه ولایت فقهت و عدالت. (چ ۱۰). قم: اسرا.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۵۱). اسلام، آیین زندگی. تهران: انتشار.
- شفیع مازندرانی، سید محمد (۱۳۹۱). درس‌هایی از وصیت نامه امام خمینی. (چ ۶۲). قم: دفتر نشر معارف.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی اسلام. (چ ۲۳). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صحیفه امام (۱۳۹۰). (ج ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مجموعه نرم افزاری.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۳). اندیشه سیاسی امام خمینی. (چ ۲۱). قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). انسان شناسی در قرآن. تهران: صدرا.
- منقری، النصرین مزاحم (۱۳۸۲). وقعه الصفین. الموسسه العربیه الحدیثه.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۱). تاریخ صدر اسلام. (چ ۵). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۰)، استفتائات، (ج ۳۹). قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مجموعه نرم افزاری.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، (محمد دشتی، مترجم). قم: انتشارات مشرقین.

ب. مقالات

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). راهبردها و بایسته‌های سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری در (مجله رهیافت انقلاب اسلامی)، شماره ۱۹، صص: ۲۴-۳.

- جوادی ارجمند، محمد جعفر؛ حق گو، جوادی (۱۳۹۰). عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل در (مجله مطالعات انقلاب اسلامی). شماره ۲۶، صص: ۹۹-۱۲۴.
- شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۴). مبانی و حقوق جهانگردان از دیدگاه اسلامی در (مجله فقه و حقوق). شماره ۷، صص: ۷-۳۲.
- کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۲). ادیان الهی و همزیستی مسالمت‌آمیز در (مجله رواق اندیشه). شماره ۲۶، صص: ۸۸-۱۰۹.
- کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۴). دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت‌آمیز در (مجله مدیریت پژوهش‌های راهبردی). شماره ۳۵، صص: ۱۲۰-۱۴۰.
- گنجور، مهدی؛ بید هندی، محمد (۱۳۹۰). امام رضاع) و الگوی رفتار ارتباطی سایر ادیان و مذاهب دینی - هنجاری در فرهنگ رضوی در (مجله شیعه‌شناسی)، شماره ۳۴، صص: ۲۵۰-۲۱۵.
- لک زایی، شریف (۱۳۸۳). مردم‌سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی در (مجله دین و ارتباطات) شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۲۰.
- محمدی راد، حمید (۱۳۸۹). مهارت‌های همزیستی در قرآن در (مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم). شماره ۹، صص: ۹۹-۱۲۴.
- مودب، سید رضا (۱۳۸۶). کرامت انسانی و مبانی قرآنی آن از نگاه امام در (مجله بینات). شماره ۵۳، صص: ۱۳۶-۱۶۱.
- ورعی، سید جوادی (۱۳۸۹). اصالت صلح در روابط بین‌الملل در (مجله حکومت اسلامی). شماره ۵۷، صص: ۶۳-۷۸.

ج. منابع الکترونیکی

- فوزی، یحیی، تبیین فقهی و کلامی جایگاه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در گفت‌وگو امام خمینی، www.ghateh.com. ۱۳۹۵/۱/۱۱
- سخنان نخبگان سیاسی داخلی و خارجی درباره تفکرات امام خمینی در مورد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز www.najanews.com. ۱۳۹۵/۱/۱۱
- خامنه‌ای، سید علی. مجموعه بیانات در جمع ائمه جمعه. ۶۸/۴/۱۲. Khamenei.ir
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴)، مجموعه بیانات در مراسم سالروز رحلت امام خمینی در حرم مطهر امام خمینی، ۱۳۹۴/۳/۱۴.